



بررسی مفهوم و اشکال خشونت جنسی علیه زنان در مخاصمات مسلحانه

^۱ سیده آرزو کرباسی

^۱ دانشگاه پیام نور یزد، Karbassiareizou@gmail.com

چکیده

یکی از ویژگی های تعارضات مسلحانه معاصر اثار وحشتناک آن بر مردم عادی از جمله زنان است که به عنوان بخشی از جمعیت غیرنظامی قربانی کشتار جمعی و نسل کشی می شوند. در دهه های اخیر بعضی اشکال خشونت علیه زنان شامل استثمار جنسی و ختنه ی دختران جامعه بین المللی را به خشم در آورده است. خشونت علیه زنان در اشکال مختلف و در محیط های متفاوت رخ داده و در هیچ دوره ای به صفر نرسیده است اما تجربه نشان می دهد که در مخاصمات مسلحانه این خشونتها و به خصوص ازارهای جنسی شدت بیشتری به خود می گیرد چراکه جنگ چهره زندگی را عوض می کن و بودن را تبدیل به نبردی برای ماندن می کند. در تعارضات اخیر با توجه به تغییر الگوی مخاصمات و گسترش سلاح های مرگبار مرز میان اقدامات جنگی و جنایت و نقض حقوق بشر و خشونت جنسی در هم ریخته و هرج و مرج و تاراج به استراتژی جنگ طلبان تبدیل شده است. آثار این خشونتها بر قربانیان نه تنها در طول تعارضات که بعد از پایان آن هم سپری نشده و زنان حمایت چندانی از جامعه خود و جامعه بین المللی دریافت نمی کنند

واژه های کلیدی: خشونت جنسی/تعارضات مسلحانه/پاکسازی نژادی/استثمار جنسی/تجاوز به عنف/زنان.

۱- مقدمه

از جمله دغدغه های جامعه جهانی خشونت علیه غیرنظامیان و کشتار عامدانه آنها در مخاصمات مسلحانه است که در سالهای اخیر در مناطقی مانند عراق و سوریه میلیونها تن در مخاصماتی درگیرند که در این جنگها آنها صرفا ناظر جنگ نیستند بلکه هدف حملات واقع شده و بسیار آسیب پذیرند.

در میان غیر نظامیان زنان به واسطه جنسیت خود در ردیف آسیب پذیرترین گروهها قرار داشته و انواع خشونت من جمله خشونت های جنسی را در اشکال مختلف آن مانند ازدواج اجباری/فحشای اجباری/تجاوز/بردگی جنسی و... تجربه می کنند. اشکال مختلف خشونت جنسی در مخاصمات به طور هدفمند و به عنوان سلاح جنگی با اهدافی نظیر پاکسازی نژادی/شکست مقاومت جامعه/ارعاب و ترساندن یا با هدف کسب اطلاعات رخ می دهند و تبعات روحی و روانی و جسمی فراوانی را برای قربانیان و کودکانی که در نتیجه تجاوزات به دنیا آمده اند به دنبال دارد که تا سالها ادامه خواهد یافت. تمام اشکال خشونت جنسی در طول مخاصمات به هر دلیلی که رخ دهند باید نقض حقوق بشردوستانه تلقی شده و تحت تعقیب قرار گیرند.

در سالهای اخیر متاسفانه نیروهای درگیر در مخاصمات مسلحانه از تجاوز و خشونت جنسی به عنوان ابزاری برای تضعیف نیروهای مقابل استفاده می کنند. یکی از معضلات مهم در این خصوص بی کیفی ماندن مرتکبان این جنایات است. دبیر کل ملل متحد در گزارش سالیانه اخیر خود مصرانه از دولتها درخواست کرده که اقدامات جامع و موثری برای حمایت بیشتر از زنان قربانی به عمل آورند.

بنابراین لازم است در رابطه با نقض وسیع حقوق زنان در مخاصمات اطلاع رسانی شود در غیراینصورت هیچ موضع گیری شفافی در این مورد وجود نخواهد داشت. هدف از نوشتار حاضر کمک به ارتقای حقوق زنان از طریق اشکار ساختن موارد نقض حقوقشان در مخاصمات مسلحانه است لذا سوال اساسی که به آن می پردازیم این است که خشونت جنسی چیست و در طول مخاصمات به چه شکل هایی رخ می دهد و چه تبعاتی برای قربانیان خواهد داشت؟

۲- مفاهیم

۲-۱- خشونت جنسی:

به طور کلی می توان آسیب رساندن به دیگری را به هر شکل خشونت^۱ نامید که آسیب های وارده ممکن است بدنی یا روانی باشد. خشونت دارای دارای مفهوم نسبی بوده و در مصادیق آن شدت و ضعف وجود دارد و لذا باید به گونه ای تعریف شود که کلیه مصادیق را در بر بگیرد و از مفاهیمی

^۱ violence



کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی

شهریورماه ۱۳۹۶



چون قدرت یا اقتدار/نیرو/زور و..... متمایز شود. در یک تعریف کلی خشونت عبارت است از اقدام علیه جسم و جان/مال/شرف و حقوق افراد به نحوی که ایجاد ترس کند.^۲ "رونالد بک برن" اعمال زور در صورتی که به آسیب جسمانی منجر شود را خشونت می نامد. به نظر وی "کاربرد غیرقانونی زور شامل تهاجم/سرقت/تجاوز یا سایر تهاجم های جنسی را خشونت گویند".^۳

خلاصه این که "خشونت سوءرفتاری است که علیه فردی توسط فرد دیگر اعمال می شود و می تواند با آزارهای جسمی/روانی/اقتصادی/اجتماعی یا جنسی همراه باشد.^۴

زنان و مردان در برابر اشکال مختلف خشونت خطرات متفاوتی را تجربه می کنند و این امر به دلیل جنسیت است. زنان و دختران در سنین ۱۵ تا ۴۴ سال سلامت خود را بیشتر به دلیل تجاوز از دست داده اند که بخشی از این امر به دلیل نبود یک تعریف صحیح از خشونت و عدم گزارش آن به مقامات است چرا که مقامات اقدامات مقتضی را در این خصوص انجام نمی دهند و بسیاری از دختران هم حقوق قانونی شان را نمی دانند. بنابراین قبل از هر اقدامی این مسئله باید تعریف شود. طبق ماده یک "اعلامیه محو خشونت علیه زنان": هر رفتار خشنی مبتنی بر جنسیت که موجب آسیب شود یا سبب احتمال بروز آسیبهای جسمانی یا روانی یا جنسی گردد یا حتی ضرر و رنج زنان را به همراه داشته باشد در راستای خشونت علیه زنان است. چنین رفتاری می تواند با تهدید یا زور و سلب کامل اختیار زنان صورت گیرد و ممکن است به صورت اشکار یا پنهان رخ دهد.^۵ از جمله اسناد منطقه ای کنوانسیون امریکایی علیه خشونت جنسی است که موضوع را اینطور تعریف می کند: "هر اقدام یا رفتار مبتنی بر جنسیت که منجر به مرگ/آسیب جسمی یا جنسی یا روحی و آزار زنان شود خواه در حوزه عمومی یا خصوصی". این کنوانسیون در مقدمه خشونت علیه زنان را نقض حقوق بشر دانسته و دول عضو را مکلف به پیشگیری از خشونت و مجازات مرتکبین می کند.^۶

نتیجه اینکه تمام خشونت های جنسی علیه زنان تعرض و سلطه طلبی محسوب می شوند و جنسیت به عنوان وسیله ای برای اعمال قدرت بر قربانی به کار می رود و هدف به اطاعت واداشتن و تحقیر قربانی است.^۷

۲-۲- مخاصمات مسلحانه:

امروزه اصطلاح مخاصمه مسلحانه^۸ جانشین واژه جنگ^۹ شده است که رواج آن در ادبیات کنونی حقوق بین الملل معلول ممنوعیت اصولی توسل به زور در روابط بین المللی است. مناقشات مسلحانه از ابتدای تاریخ وجود داشته و دلایل بروز آن گاهی مذهبی/سیاسی/نژادی و قومی و گاه ناشی از امپریالیسم و ملی گرایی بوده است^{۱۰} مخاصمات یا بین المللی هستند یا غیر بین المللی. یک مخاصمه زمانی بین المللی محسوب می شود که نیروهای مسلح مخالف متعلق به دو یا چند دولت باشند و وضعیت جنگی اعلام شده باشد حتی چنانچه فعالیت نظامی صورت نگرفته باشد و تفاوتی نمی کند که اقدام دولت برای دفاع از خود بوده یا در اجرای وظایف محوله از ملل متحد باشد. اما درگیری مسلحانه غیربین المللی یا داخلی^{۱۱} تعارضی است که میان دو یا چند طرف در درون کشور رخ دهد.^{۱۲} امروزه علیرغم گرایش بین المللی به برقراری روابط دوستانه و رعایت کرامت بشری توسل به جنگ و خشونت همچنان ادامه دارد اما بر خلاف گذشته تعارضات و جنگ های مدرن دیگر محدود به رویارویی ارتش ها نیست و بیشتر نزاعی ازاردهنده میان نظامیان و غیر نظامیان است و این به دلیل تغییر الگوی مخاصمات و استفاده از سلاح های جدید است که در برخی موارد شامل حملات عمدی به غیرنظامیان می شود. خشونت جنسی نیز تبدیل به یک روش جنگی شده که با اهداف مختلفی مانند ترساندن یا تحقیر قربانی و در مواردی برای پاکسازی نژادی مورد استفاده قرار می گیرد.

نتیجه اینکه در طول تعارضات اگرچه مردان بیشتر از زنان کشته می شوند اما زنان از پیامدهای جنگ بیش از مردان رنج می برند و اکثریت قربانیان جنگ های معاصر را تشکیل می دهند.^{۱۳}

۳- اشکال و تبعات خشونت جنسی در تعارضات مسلحانه

^۲ سید محمد میرخلیلی، "خشونت و مجازات"، کتاب نقد، سال چهارم، شماره ۲، سال ۱۳۷۹، ص ۲۸

^۳ شهیندخت مولوردی، "کالبد شکافی خشونت علیه زنان"، تهران: حقوقدانان، سال ۱۳۸۵، صص ۲۷ و ۲۸

^۴ آکرم حسین پور، "خشونت علیه زنان در کشورهای جهان"، ندای جمعیت، سال دهم، شماره ۳۵، سال ۱۳۸۳، صص ۲۲۲

^۵ نسرین مصفا، "در جستجوی حمایت بیشتر پروتکی حقوق زنان منشور حقوق بشر و مردم افریقا"، در: نشریه مطالعات افریقا، سال دهم، ش ۱۲، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۵۳

^۶ Kelly Dawn Askin, "War Crimes Against Women", The Hague: Martinus Nijhoff Publishers, 1997, p.232

^۷ Armed Conflicts

^۸ War

^۹ شارل روسو، "حقوق مخاصمات مسلحانه"، ترجمه: دکتر سید علی هنجی، ج اول، تهران: دفتر خدمات حقوق بین الملل، ۱۳۶۹، ص ۱۰

^{۱۰} Jeanne Ward and Mandy Marsh, "Sexual Violence Against Girls and Women in War and its Aftermath", Brussels (Belgium), 2006, p.3



۳-۱- بررسی اشکال خشونت جنسی:

تجاوز به عنف^{۱۱}: اولین قضیه ای که در آن دادگاه تعریفی از تجاوز به عنف ارائه کرد رای اکایسو ۱۹۹۸ در مقابل دیوان بین المللی رواندا بود که تجاوز به عنف را اینگونه تعریف می کند: "دخول فیزیکی با ماهیت جنسی تحت شرایطی که اجباری باشد. شرایط اجبار لازم نیست که اثبات شود بلکه تهدید و ارعاب و اخاذی و سایر اشکال اجبار که با ترس و استیصال همراه باشد شامل اجبار است."^{۱۲}

امروزه تجاوز تبدیل به یک استراتژی جنگی برای ترور و نابود کردن جوامع در بسیاری از تعارضات مسلحانه شده است. گاه افرادی مثل یک معلم یا دکتر از اعتماد دختران برای اهداف جنسی سوء استفاده می کنند. مطالعات نشان می دهد که بین ۳۶ تا ۶۲ درصد قربانیان حملات جنسی ۱۵ سال یا کمتر دارند.^{۱۳} در دارفور تجاوز به زنان و دختران جوان توسط نیروهای مسلح گسترده بوده و برای قتل عام مردم به کار می رود. یکی از لجام گسیخته ترین تجاوزات جنسی توسط ژاپنی ها رخ داد که به میزان وسیعی دختران ۱۱ و ۱۲ ساله را مورد تجاوز قرار دادند. این حوادث نشان می دهد که تجاوز به عنف محصول تمام جنگهاست و به این جرایم اهمیت کمی داده شده است.^{۱۴}

بردگی جنسی^{۱۵}: جزء ج از بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری بر مبنای عبارات موجود در کنوانسیون بردگی ۱۹۲۶ بردگی را به طور کلی اینطور تعریف می کند: "اعمال کلیه اختیارات ناشی از حق مالکیت بر یک شخص و اعمال قدرت در جریان دادوستد اشخاص به خصوص زنان و کودکان."

بعد از این تعریف کلی اساسنامه دیوان بردگی جنسی را به عنوان جرمی مستقل و جنایت علیه بشریت عنوان می کند. گزارشگر ویژه بردگی در سال ۱۹۹۸ در گزارش خود بردگی جنسی را اینطور تعریف می کند: "بردگی جنسی به وضعیت و شرایط کسی اطلاق می شود که تمامی اختیارات خود یا بخشی از آن را در ارتباط با حق مالکیت بر کسی اعمال نموده باشد از جمله دستیابی جنسی به شکل تجاوز به عنف یا سایر اشکال خشونت جنسی." نشانه های بردگی شامل بهره برداری از فرد/ابطه جنسی/خرید و فروش انسان و فحشا است. امروزه اشکال جدیدی از بردگی جنسی وجود دارد مانند ازدواج موقت اجباری که در رواندا مردان هوتویی زنانی را که برای امنیت خود و فرزندانشان وحشت داشتند مجبور به ازدواج موقت و انجام خدمات جنسی و خانگی می کردند.^{۱۶}

فحشای اجباری^{۱۷}: این جرم به عنوان جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی در ماده ۷ و ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری پیش بینی شده است. از نظر گزارشگر ویژه بردگی ۱۹۹۸ مشخص ترین مواردی که ممکن است به عنوان فحشای اجباری تعریف شوند مترادف با بردگی جنسی هستند چرا که بردگی جنسی شامل بیشتر موارد فحشای اجباری است که عموماً شامل مواردی می شود که در آن شخصی دیگری را وادار به اعمال جنسی کرده و او را تحت کنترل خود درمی آورد. عده ای معتقدند که استفاده از اصطلاح فحشای اجباری ممکن است موجب کوچک جلوه دادن این جرم شود چرا که فاحشگی بیانگر آن است که اعمال جنسی با رضایت قربانی انجام شده است. آنچه این جرم را از بردگی متمایز می کند نفع مالی یا امتیاز دیگری است که مرتکب یا شخص ثالثی در ازای رفتارهای جنسی قربانی به دست آورده یا انتظار تحصیل آن را دارد.^{۱۸} بسیاری از قربانیان فحشای اجباری در طول تعارضات مسلحانه دختران جوان و باکره بوده اند که بعد از بارها تجاوز زندگی شان به طرز جبران ناپذیری از بین رفته است.^{۱۹}

بارداری اجباری^{۲۰}: عبارت است از "حبس غیرقانونی یک زن یا دختر برای اجبار او به باردار شدن که با اقدامی که معمولاً تجاوز به عنف است صورت می گیرد." در آن دسته از تعارضات مسلحانه که ویژگی قومی/نژادی یا مذهبی دارند بارداری اجباری به عنوان روشی برای پاکسازی نژادی

^{۱۱} Rape

^{۱۲} Prosecutor v jean-paul akayesu judgment case no ICTR-96-4-1 sep 1998 para 598

^{۱۳} florence tercier hoist-roness. "violence against girls in africa during armed conflict and crisis". second international policy conference of ICRC on the african child. addis ababa. 2006. p9

^{۱۴} kelly dawn askin. op. cit. p49

^{۱۵} Sexual Slavery

^{۱۶} UN commission on human rights. "contemporary forms of slavery: systematic rape and sexual slavery during armed conflicts". final report submitted by gay j. mc dougall. special rapporteur. E.CN.4.SUB.1998.P10

^{۱۷} Forced prostitution

^{۱۸} کریانگ ساک کیتی شیایزری، "حقوق بین الملل کیفری"، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ اول، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵

^{۱۹} kelly dawn askin. op. cit. p18

^{۲۰} Forced pregnancy



استفاده می شود به عنوان مثال در بوسنی زنان مسلمان بارها توسط صربها باردار شده و صربها با حبس کردن این زنان مانع از سقط جنین می شدند.^{۲۱} هدف ابتدایی پاکسازی نژادی تحقیر و خردکردن و ایجاد وحشت است و بارداری اجباری با هدف تغییر ژن به پاکسازی نژادی می انجامد. این جنایت فقط در یک سند بین المللی یعنی اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به عنوان جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی ذکر شده است. ماده ۷ اساسنامه دیوان در تعریف این جنایت مقرر می کند: "حبس غیر قانونی زنی که به اجبار باردار شده است به منظور تاثیر نهادن بر ترکیب قومی یک جمعیت یا ارتکاب تخلفات فاحش از قواعد حقوق بین الملل." این تعریف نگرانی کشورهای را که بیم داشتند سیاستهای جلوگیری از سقط جنین به عنوان بارداری اجباری تعبیر شود برطرف کرد چراکه این تعریف صلاحیت کشورها را در تنظیم مقررات مربوط به کنترل زاد و ولد و سقط جنین را محدود نمی سازد.^{۲۲}

ازدواج اجباری^{۲۳}: یکی از رویه های موجود در طول تعارضات مسلحانه اجبار دختران و زنان ربوده شده به ازدواج با نیروها و گروههای مسلح است یا حتی اجبار والدین به تحویل دخترانشان برای اینکه همسر سربازان باشند و در عوض امنیت خود و خانواده شان حفظ شود. ازدواج اجباری در طول تعارضات مسلحانه سرپوشی بر خشونت های جنسی است و استفاده از لفظ همسر از سوی مرتکبین امری کاملا استراتژیک است که بدین وسیله ماهیت حقیقی اعمال خود را تحت عنوان ازدواج پنهان می کنند. تنها سند حقوقی که ازدواج اجباری را تعریف کرده قطعنامه ۱۴۶۴ مجمع پارلمانی شورای اروپا است که اظهار می دارد: "ازدواج اجباری ازدواج میان دو نفر است که یکی از آنها فاقد رضایت کامل و ازادانه نسبت به این ازدواج باشد." طالبان در افغانستان خانواده ها را مجبور می کردند که دختران خود را تحویل داده و اسناد ازدواج را تکمیل کنند. خشونت های تجربه شده توسط این دختران بسیار شدید و دارای تبعات روانی و جسمی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است.^{۲۴}

عقیم سازی اجباری^{۲۵}: این امر معمولاً راهکاری پزشکی است که توانایی یک فرد را برای بچه دار شدن از بین می برد. در جنگ دوم جهانی در اروپا زنان را با تزریق یا جراحی یا برق عقیم می کردند که نرخ بالای مرگ و میر را در میان قربانیان به دنبال داشت. اما در آسیا عقیم سازی پیامد فحشای اجباری و ابزارهای جنسی عامدانه بود. تجاوزهای مکرر و شکنجه و آزار نزدیک به ۷۵ درصد از زنان و دختران را نابود کرد و از ۲۵ درصد باقیمانده که زنده ماندند بیشترشان به دلیل تجاوزهای مکرر و پیامدهای ناشی از آن قادر به بچه دار شدن نبودند.^{۲۶} عقیم کردن بدون رضایت می تواند تعبیری باشد از نسل کشی وقتی که با هدف حساب شده و برای انهدام تمام یا قسمتی از مردم صورت گیرد. این شکل از خشونت جنسی نیز در مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به عنوان جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی مطرح شده است.^{۲۷}

ختنه ی دختران^{۲۸}: ختنه شامل تمام رویه هایی است که طی آن تمام یا بخشی از الت تناسلی دختر یا اعضای مربوط به فعالیت جنسی نابود شود نظیر سینه ها و واژن اعم از اینکه دلیل فرهنگی یا درمانی وجود داشته باشد یا نداشته باشد. این شکل از خشونت جنسی ریشه سنتی داشته و عملی است نمادین مبنی بر اطاعت مطلق زنان از مردان. تخمین زده می شود که تقریباً ۵۰ درصد دختران ۸ تا ۱۸ ساله در لیبریا ختنه شده اند.^{۲۹}

ختنه ی دختران در ۲۹ کشور که اکثرشان در جنوب صحرای افریقا قرار دارند انجام می شود و یکی از این های مذهبی این جوامع است که اغلب توسط فردی که به طور سنتی این وظیفه را برعهده دارد و با ابزار اولیه و غیربهداشتی انجام می شود. ۱۵ درصد از دختران به علت بخیه خوردن در جریان ختنه دچار انسداد ناقص مجرای واژن می شوند.^{۳۰} برای مبارزه با این خشونت جنسی مشارکت رهبران مذهبی اهمیت زیادی دارد.

^{۲۱} jeanne ward and mendy marsh.op.cit.p4

^{۲۲} کیتی شیایزری، پیشین، ص ۱۹۱

^{۲۳} Forced Marriage

^{۲۴} parliamentary assembly.council of europe.29 session."forced marriages and child marriages".2005

^{۲۵} Compelling Castration

^{۲۶} kelly dawn askin.op.cit.p97

^{۲۷} علیرضا دیهیم، "درامدی بر حقوق بین الملل کیفری" ج اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲

^{۲۸} Female genital mutilation(fgm)

^{۲۹} united nations population fund.state of worlds population 2003.UNFP.p27

^{۳۰} florence terciier hoist-roness.op.cit.p9



استثمار جنسی دختران^{۳۱}: عبارت است از: " هر نوع آزار با سوءاستفاده از آسیب پذیری و اعتماد یا عدم قدرت فرد برای اهداف جنسی." این امر در مناطق جنگی بسیار گسترده است و نکته ی تکان دهنده ارتکاب این خشونت توسط افرادی است که در شرایط مخاصمات متعهد به حمایت از افراد آسیب پذیر هستند مانند حافظین صلح و کارمندان دولتی که با افزایش فقر زنان و دختران را مورد استثمار قرار می دهند به عنوان نمونه ۱۵۰ مورد استثمار جنسی توسط حافظان صلح ملل متحد در کنگو رخ داده است.

استثمار در زمان آوارگی و پناهندگی افزایش می یابد چنانکه در اوگاندا بسیاری از زنان آواره و پناهنده در نتیجه فقر در ازای دریافت پول یا غذا مورد استثمار قرار گرفته اند.^{۳۲}

۲-۲- تبعات خشونت های جنسی بر سلامت جسمی و روانی قربانیان

دانستیم که تکان دهنده ترین اثر مخاصمات بر زنان و دختران خشونت مبتنی بر جنسیت است که در اشکال مختلف روی می دهد. تجاوز جنسی در اغلب موارد با تهاجم همراه بوده و دختران بیشماری در پی آن جان باخته اند. بیان آثار و تبعات این خشونتها به علت عدم دسترسی به امار صحیح در این زمینه که به دلیل ترس و شرم قربانیان از گزارش واقعه است دشوار می باشد. خشونت جنسی امراض فراوانی به دنبال دارد مانند شیوع ویروس ایدز/دردهای گوارشی/استفراغ/دردهای الت تناسلی/ناباروری/سقط جنین و مرده زایی که در بیشتر موارد مداوای پزشکی هم در دسترس نیست. بعضی علائم و امراض مانند دردهای عضلانی/خستگی و حالت تهوع در همه قربانیان ظاهر نمی شود اما خطر آن بسیار بالاست. از جمله پیامدهای خشونت های جنسی بر سلامت روانی زنان می توان به موارد زیر اشاره کرد: بی خوابی/کابوس/ضعف تمرکز حواس/احساس شرم و خشم/اضطراب و نفی واقعه.^{۳۳}

آثار خشونت های جنسی حتی با وجود پایان جنکها بر جسم و روح قربانیان باقی است. آینده کودکان متولد شده در نتیجه تجاوز نیز همیشه نامعلوم است. یک گام حیاتی در این مورد کمک به دختران در بازگشت به زندگی طبیعی و اجتماعی شان است که تلاش هایی توسط صلیب سرخ در سیرالئون و لیبیا انجام شده که قربانیان را مورد حمایت روانی قرار داده اند.^{۳۴}

۳-۲- موارد وقوع خشونت جنسی در مخاصمات معاصر

در جریان جنگ های بنگلادش و پاکستان حدود ۲۰۰۰۰۰ زن توسط سربازان پاکستانی مورد تجاوز قرار گرفتند. کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در گزارشی در خصوص خشونت جنسی علیه پناهندگان در گینه و سیرالئون بیان می کند که بیشترین گروهی که مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند دختران ۱۳ تا ۱۸ ساله بوده اند و اکثر مرتکبین نیز کارمندان سازمان های بین المللی و ملی و کارمندان سازمان ملل و نیروهای حفظ صلح بوده اند. یکی از مردان طی مصاحبه اعلام کرد که آنها بدون داشتن خواهد یا زن یا دختر نمی توانستند به سوخت یا دارو و کارت جیره دسترسی داشته باشند. در عراق نیز زنان و دختران اصلی ترین قربانیان جنگ هستند. طبق گزارش سازمان عفو بین الملل به دلیل ویژگی های خاص فرهنگی مردم عراق بسیاری از فجایع روی داده در این کشور به خصوص خشونت های جنسی گزارش نمی شوند.^{۳۵}

در جریان تعارضات مسلحانه در بوسنی و هرزگوین زنان و دختران مسلمان بوسنی هدف شنیع ترین خشونت ها قرار گرفتند. تجاوز به دختران ۱۵ ساله اغلب منجر به مرگ شده است. هدف صربها تحقیر زنان مسلمان و توهین و ایجاد وحشت بوده است. جسم این زنان به عنوان غنیمت جنگی و معیار پیروزی و با هدف پاکسازی نژادی استفاده می شد. براسا گزارش کمیته حقیقت یاب اتحادیه اروپا بیش از ۲۰۰۰۰۰ زن مسلمان در این جنگ در نتیجه تجاوزات باردار شده و علیرغم میلشان مجبور به زادن کودکان صرب شده اند. در کتاب "مروری بر تاریخ مسلمانان در یوگسلاوی و جنگ در بوسنی و هرزگوین" نمونه های زیادی از جنایات صربها تشریح شده است که به عنوان نمونه می توان به اظهارات خانم "حازیرا کاتوویچ" اشاره کرد. زنی که همراه با ۸۰۰ مسلمان توسط گروه های صرب در چاهی نداخته شده بود که به طرز معجزه اسایی نجات یافت. این زن مسلمان می گوید: "زنان را زنده در آن چاه می انداختند که به مرور کشته می شدند. در این گور دسته جمعی زنی حامله در کنار من بود که دائم از درد ناله می

^{۳۱} Sexual Exploitation

^{۳۲} dyan mazurana and khristipher carlson. "elimination of all forms of discrimination and violence against girls" united nations women watch. 2006.p8

^{۳۳} رضا رمضان نرگسی، "تجاوز و بزه دیدگی زنان"، کتاب زنان، سال ششم، شماره ۲۳، بهار ۸۳، صص ۹۲-۹۱

^{۳۴} florence terciier hoist-roness.op.cit.p20

^{۳۵} نسرین مصفا، "کودکان و جنگ"، در: مجموعه مقالات همایش حقوق کودک، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر و برنامه عمران ملل متحد، نشر گرایش، ۱۳۸۶، صص ۱۲۵



کرد تا اینکه جان سپرد. من با خوردن نانی که از جیب افراد کشته شده در چاه برمی داشتم توانستم زنده بمانم. ۸۱ روز بعد کشاورزان روستای نفیسن مرا نجات دادند. بعد از نجات وزنم به ۳۰ کیلوگرم رسیده بود.^{۳۶}

"زینب بنگورا" نماینده ویژه دبیر کل ملل متحد در مورد خشونت های جنسی در تعارضات مسلحانه بر لزوم مقابله با ارتکاب خشونت جنسی علیه زنان در بیش از ۲۰ کشوری که هم اکنون درگیر مخاصمات هستند تاکید می کند. به رغم آنکه تاکنون اقداماتی در جهت مقابله با ارتکاب تجاوزات جنسی به عنوان شیوه ای جنگی در سطح بین المللی صورت گرفته اما در عمل شاهد هستیم که هنوز هم این خشونت ها یکی از مصادیق رایج جرایم بین المللی در این ۲۰ کشور است. نکته قابل توجه در گزارش سالیانه دبیرکل برقراری ارتباط میان ارتکاب خشونت جنسی و مسائل اقتصادی است و خاطر نشان می کند که در مناطقی که از منابع طبیعی غنی برخوردارند تجاوز به عنف به عنوان ابزاری برای اعمال کنترل هر چه بیشتر بر این مناطق است.

بر اساس آخرین گزارش سازمان ملل "نیروهای داعش" ارتکاب خشونت جنسی را جزئی از ایدئولوژی و آموزه های مذهبی خود می دانند و از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کنند. نماینده ویژه دبیرکل در مورد وضعیت زنان در سوریه و عراق اذعان داشت که سلامت این افراد در معرض خطر قرار دارد. در برخی موارد زنان بیش از ۲۰ بار مجبور به ازدواج موقت و بعد از آن مجبور به عمل جراحی برای ترمیم بکارت شده اند. نگرانی دیگر کودکان متولد شده از تجاوز هستند که فاقد هویت مشخص می باشند.

۴- فرجام

درد و رنج قوم و مذهب نمی شناسد. امروزه در سراسر دنیا زنان و دختران مورد تبعیض جنسیتی واقع شده و خشونت را در اشکال مختلف آن تجربه می کنند و دانستیم که در طول مخاصمات این ابزارها هزار برابر می شود. دلیل ادامه ابزارها در تعارضات این است که با خشونت های ارتكابی با اغماض و انکار برخورد شده است. جامعه بین المللی باید توجه به آثار گسترده تعارضات مسلحانه بر زنان و حمایت از قربانیان را مسئولیت اساسی خود بداند و در این راستا مجموعه ای از اصول و قواعد بشر دوستانه که عرف جنگ را تشکیل می دهند در دست دارد اما حمایت موثر از قربانیان بستگی به چگونگی اجرای این اصول دارد و موفقیت در این امر در گرو همکاری بین نهادهای ملل متحد و دولتها و وجود ضمانت اجرای قانونی و پایان دادن به بی کیفی است. در سالهای اخیر با تشکیل محاکم بین المللی نظیر یوگسلاوی / رواندا و سیرالئون تا حدی در جهت پایان دادن به بی کیفی و مجازات مرتکبین گام های مثبتی برداشته شده است. علاوه بر این افزایش آگاهی عمومی در خصوص آثار جنگ بر زنان و دختران ضروری به نظر می رسد.

برای حمایت از زنان در طول مخاصمات می توان پیشنهادات و راهکارهایی را مدنظر داشت :

دولتها می توانند در سطوح جهانی از طریق کنترل دستیابی به سلاح جوامعشان را غیرنظامی کنند و انتقال سلاح به مناطق جنگی را کنترل کنند.

در هنگام جنگ فقر از عواملی است که موجب خشونت می شود بنابراین ریشه کن کردن فقر بسیار اهمیت دارد.

۵- مراجع

کتابها

- [۱] دیهیم، علیرضا، **درآمدی بر حقوق بین الملل کیفری**، ج اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
- [۲] رمضان نرگسی، رضا، **تجاوز و بزه دیدگی زنان**، کتاب زنان، سال ششم، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳.
- [۳] روسو، شارل، **حقوق مخاصمات مسلحانه**، ترجمه: دکتر سید علی هنجی، ج اول، تهران: دفتر خدمات حقوق بین الملل، ۱۳۶۹.
- [۴] کیتی شیاپزری، کریانگ ساک، **حقوق بین الملل کیفری**، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ اول، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۳.
- [۵] مصفا، نسرين، **در جستجوی حمایت بیشتر پروتکلی حقوق زنان منشور حقوق بشر و مردم آفریقا**، در: نشریه مطالعات آفریقا، سال دهم، ش ۱۲، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- [۶] مصفا، نسرين، **کودکان و جنگ**، در: مجموعه مقالات همایش حقوق کودک، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر و برنامه عمران، ملل متحد، نشر گرایش، ۱۳۸۶.
- [۷] مولاردی، شهیندخت، **کالبد شکافی خشونت علیه زنان**، تهران: حقوقدانان، سال ۱۳۸۵.
- [۸] میرخلیلی، سید محمد، **خشونت و مجازات**، کتاب نقد، سال چهارم، شماره ۲، سال ۱۳۷۹.

مقالات و پایان نامه ها

^{۳۶}سامره پاریاب، "شورای امنیت ملل متحد و جرایم جنسی علیه زنان در مخاصمات مسلحانه بعد از پایان جنگ سرد"، پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمان های بین المللی، تهران، دانشکده روابط بین الملل، ۱۳۸۷، ص ۲۹۰



- [۹] پاریاب، سامره، شورای امنیت ملل متحد و جرائم جنسی علیه زنان در مخاصمات مسلحانه بعد از پایان جنگ سرد، پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمانهای بین المللی، تهران، دانشکده روابط بین الملل، ۱۳۸۷.
- [۱۰] حسین پور، اکرم، خشونت علیه زنان در کشورهای جهان، ندای جمعیت، سال دهم، شماره ۳۵، سال ۱۳۸۳.

انگلیسی

- [11] dyan mazurana and khristipher carlson, **elimination of all forms of discrimination and violence against girls**, united nations women watch ,2006.
- [12] florence terciar hoist-roness, **violence against girls in africa during armed conflict and crisis**, second international policy conference of ICRC on the african child ,adis ababa,2006.
- [13] jeanne ward and mendy marsh,"**sexual violence against girls and women in war and its aftermath**, brussel (belgium), 2006.
- [14] kelly dawn askin, **war crimes against women** ,the hague,martinus nijhoff publishers,1997.
- [15] parlimentary assembly,council of europe,29 session, **forced marriages and child marriages**, 2005.
- [16] prosecuter v jean-paul akayesu,judgment,case no ICTR-96-4-1,sep 1998.
- [17] UNcommission on human rights, **contemporary forms of slavery: systematic rape and sexual slavery during armed conflicts**, final report submitted by gay j.mc dougall, special rappoeteur,E,CN.4,SUB,1998.
- [18] United nations population fund, state of worlds population 2003,UNFP.

Investigating Concept and Forms of Sexual Violence against Women in Armed Conflicts

Seyedeh Arezou Karbasi

Department of International Law, Faculty of Law & Political science, University of Tehran,
E-mail: Karbassiarezou@gmail.com

Abstract. One of the characteristics of contemporary armed conflicts is its terrible effects on ordinary people, including women, as part of a civilian population victimized by mass murder and genocide. In recent decades, some forms of violence against women, including sexual exploitation and female genital mutilation (FGM), have made the international community angry. Violence against women has taken place in different forms and environments, and in any period; however, experience shows that in armed conflicts, these kinds of violence and especially sexual harassment are heavier because was changes the face of life, and makes it a battle for staying. In recent conflicts, due to the changing pattern of conflicts and spread of lethal weapons, the borderline between war and crime and human rights abuses as well as sexual violence has been devastated and chaos and theft have become the strategy of warlords. The effects of this violence on victims have remained not only during conflicts, but after them, and women have not received much support from their society and international community.

Keywords: Sexual Violence, Armed Conflict, Racial Cleansing, Sexual Exploitation, Rape, Women